

# خصوصی سازی؛ بیائید خود را باور کنیم

از: غلامرضا نصیرزاده



بیائید خود را بیشتر باور کنیم، بیائید در جهت وفاق  
جمعی با استفاده از عناصر داخلی تلاش کنیم و دل به  
حکم حکیم آنهم از نوع بانک جهانی نبندیم.

سازگاری و این سازگاری و تناسب، نظم طبیعت را تشکیل می‌دهد و به وجود می‌آورد که از نظم دولت مطلقاً جداست. تا آن موقع متفکران و فلاسفه تصور می‌کردند که زندگی انسان در جامعه یا برحسب اقتضای غریزه بشری است یا یک علت احساساتی دارد و یا قراردادی است، ولی ماندویل این سه پایه را انکار می‌کند و اساس زندگی اجتماعی را بر نفع استوار می‌داند و در نتیجه اقتصاد را نه تنها از سیاست بلکه از اخلاق نیز جدا می‌کند و اصل «عیوب انسانی و رذایل بشری موجب سعادت اجتماعی است» را آیتی از مظاهر اراده الهی به‌شمار می‌آورد.

۲ - «آدام اسمیت» از فلسفه ارائه شده توسط «دوماندویل» الهام گرفت و پشتیبان قاطع و پابرجای آزادی کسب و کار و عدم مداخله دولت در امور اقتصادی بود. از نظر اسمیت دولت‌ها به‌طور کلی فاسد و ضعیف و مسرف بوده و به‌زیان جامعه، خاصه خرجی می‌کنند. به‌عقیده اسمیت اگر افراد در تعقیب و پیروی از منافع خود آزاد گذاشته شوند، بدون اینکه خود بخواهند منافع اجتماعی را نیز برآورده می‌سازند. افراد باید در کسب و کار داخلی آزاد باشند و این آزادی در تجارت و کارهای اقتصادی بین‌المللی نیز برقرار باشد. دفاع اسمیت از آزادی کسب و کار و هماهنگی منافع و آزادی

۱ - «برنارد دوماندویل» در منظومه‌ای تحت عنوان «کندوی پر وز وز» یا «دغلانی که شرافتمند شده‌اند» مجموعه‌ای را ارائه می‌دهد که شاید بتوان آنرا الهام‌بخش آدام اسمیت دانست. این مجموعه جارو و جنجال عجیبی در محافل علمی به پا کرد. داستان کتاب، ماجرای یک دسته زنبور عسل است که مانند جامعه بشری تشکیل یافته است، این زنبورها دو دسته‌اند: یک دسته کار می‌کنند، خدمت می‌نمایند و بار می‌برند، دسته دیگر از خدمات، کار و زحمات دسته اول استفاده می‌کنند. دسته اول زحمتکشاند و دسته دوم انگل‌ها، دسته دوم مخصوصاً از صنعتگران، و کلای عدلیه، اطبای بیسواد، وزرای فاسد و مختلس و مرتشی، قضات فاسد و ناباب تشکیل می‌شود. وضع اینها را نویسنده چنان می‌نماید که خواننده به خوبی می‌فهمد مقصود او انتقاد از اوضاع اجتماعی زمان خود بوده است. دسته اول روزگاری سیاه دارند و دسته دوم در ناز و نعمت غوطه‌ورند، با این همه کندوی آنها رونق شایانی پیدا می‌کند و هر روز عسلشان زیادتر می‌شود و صاحب کندو از آنان راضی‌تر می‌گردد.

روزی در صدد برمی‌آیند که متقی و پرهیزکار شوند، بساط زورگوئی را در نورند، سفره استثمار را برچینند، هرکس کار کند و به تناسب کار خود بهره‌بردارد، از آن روز به بعد رونق کندو از بین می‌رود، انحطاط دستگاه آغاز می‌شود زیرا جاه‌طلبی معنی پیدا نمی‌کند، دیگر کسی میل و خواهشی ندارد، صنعت، بازار خود را از دست می‌دهد. تجارت دیگر مفهومی ندارد هنر خریدار پیدا نمی‌کند.

قیمت‌ها تنزل می‌کنند، بیکاری روز افزون می‌شود. نتیجه اینکه به عبارت بهتر «عیوب افراد موجب خوشبختی عمومی است» انتشار این رساله به دلایلی که حدس آن آسان است، شور و هیجانی در اذهان به وجود آورد. از اینجاست که می‌بینیم یکی از عیوب اخلاقی انسانی - نفع پرستی - وارد علم اقتصاد می‌شود و از آن تاریخ به بعد اساس بعضی از نظریه‌های اقتصادی می‌گردد.

به‌عقیده «دوماندویل» نفع پرستی و خودپرستی یکی است و از این جهت مداخل خودپرستی و خودخواهی می‌شود ولی در ضمن بین منافع افراد نظمی در نظر می‌گیرد، زیرا به‌عقیده او تمام این منافع با هم



سوال اینست که آقای وزیر اقتصاد قبل از برگزاری سمینار اردیبهشت ماه برای استفاده از نظرات و اطلاعات کارشناسان بانک جهانی، چند سمینار در زمینه تحلیل فرآیند خصوصی سازی با حضور متفکران داخلی برگزار کرده بودند که حال چنین نیازی را احساس می کردند؟

بازرگانی خارجی را می توان از یک جمله استعاره ای که در کتاب «ثروت ملل» آورده است درک کرد:

«این خیرخواهی و نیک اندیشی قصاب و آجوساز و نانوا نیست که شام ما را مهیا می کند بلکه تنها سودجویی آنهاست که فراهم کننده غذای ماست.»

هر فرد لزوماً کوشش می کند تا هرچه بیشتر کسب در آمد کند. اشخاص در کوشش های خود درحقیقت قصدی برای برآورده ساختن منافع اجتماع ندارند و از اینکه کار آنها تا چه حد به نفع جامعه است بی خبرند. هنگامیکه افراد کالای داخلی را بر کالای خارجی مرجع می دارند فقط در پی منافع خود هستند و اگر کوشش آنها در هدایت صنعتی، به تولید کالائی که ارزش بسیاری برای جامعه داشته باشد منتهی گردد، قصد آنها فقط تأمین منافع شخصی بوده است. بنابراین در این مورد و سایر موارد مشابه آن، اشخاص در تأمین منافع جامعه، تابع یک دست نامرئی هستند و تأمین منافع اجتماعی، قصد و غرض اصلی آنها نیست. باید دانست که توجه نداشتن افراد به تأمین منافع اجتماع هرگز زینانی در بر ندارد زیرا افراد غالباً در پیروی و تعقیب منافع خصوصی خود منافع جامعه را به مراتب مؤثرتر و بهتر از وقتی که واقعاً وضع اجتماعی را ملحوظ نظر داشته باشند برآورده می سازند.

«اسمیت» عقیده دارد که هرگز موردی را ندیده است که افرادی که برای نفع اجتماع دست به تجارتی زده باشند نتیجه کار آنها بهتر از دیگران باشد و بطور قاطع و صریح می گوید: اگر کسی به خاطر منافع عمومی تجارتی کند این کار امری استثنائی بوده و درحقیقت نیرنگ و تظاهری بیش نیست و خیلی زود از آن منصرف می گردد.

۳ - بیکاری شدیدی طی سال های بین دو جنگ جهانی، در کشورهای صنعتی وجود داشت که موجب نگرانی عمومی شده بود. بسیاری از صاحب نظران و سیاستمداران و مدیران امور اقتصادی، با حسن نیت و علاقه ای تردیدناپذیر، در مقام مبارزه با آن برآمدند. اما نه تنها کامیابی نیافتند، بلکه دشواری ها را بیشتر و اوضاع را نابسامان تر کردند.

«کینز» توجیهی رضایت بخش بر این وضع یافت و در «نظریه عمومی» خود نوشت: «عقاید و آراء اقتصاددانان و صاحب نظران در مسائل سیاسی، بیش از آنچه تصور می کنیم، در جریان اوضاع تأثیر دارند. بسیاری از مردم خود را از تأثیر و نفوذ افکار علمی به دور می پندارند اما در عمل، بدن آنکه خود بدانند، اسیر و برده اندیشه های، یک یا چند اقتصاددان گذشته هستند.»

«کینز» برخلاف اسلاف خود، به تجزیه و تحلیل و توجیه وضع

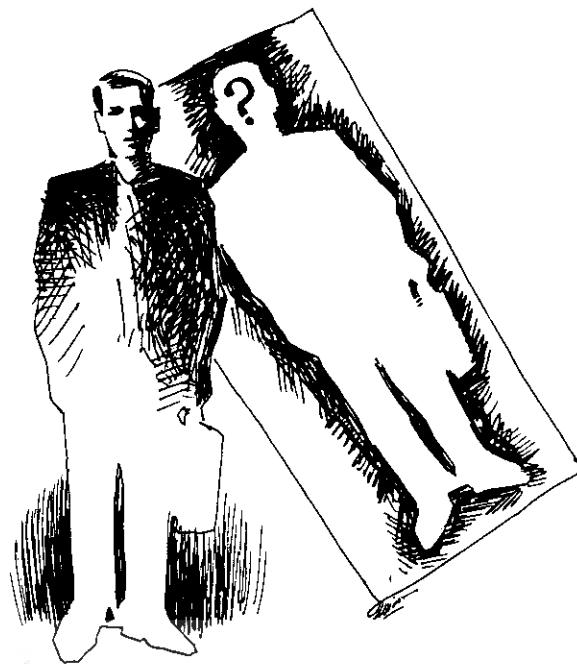
۴ - از طرف دیگر در پی پایان جنگ جهانی دوم و ظهور ملل جدیدی که از استعمار خارج شده و به استقلال دست می یافتند این سؤال مطرح شد که توسعه اقتصادی این ملل چگونه امکان پذیر است. اکثر اقتصاددانان و سیاستمداران که مسائل مرتبط با توسعه اقتصادی را تعقیب می کردند با این موضوع مواجه شدند که اقتصاد کلاسیک مشکلات مربوط به کشورهای درحال توسعه را حل نمی کند و بازار در این کشورها به صورت مؤثر عمل نکرده و به اندازه کافی توسعه نیافته است. علاوه بر این نهادهای لازم که جهت هدایت فعالیت های اقتصادی مورد نیاز است در این کشورها وجود نداشته و یا در صورت وجود شدیداً ضعیف عمل می کنند. طبیعتاً نقش مهمی برای دولت در جهت غلبه بر این مشکلات در نظر گرفته شد.

از سوی دیگر کارآفرینان خصوصی در این کشورها ابزار مالی و مهارت های مورد نیاز جهت توسعه صنعتی در اختیار نداشته و حاضر به پذیرش فعالیت های ریسک آور نبودند. در این چارچوب تأکید بر تشکیل سرمایه به عنوان عامل کلیدی منجر به تداوم نقش فعال دولت در این زمینه در کشورهای درحال توسعه شد.

۵ - عملکرد ضعیف برخی از شرکت های دولتی به ویژه در شرایط رکود جهانی و تأثیرپذیری این شرکت ها از اهداف غیر اقتصادی دولت ها باعث شد که طی سال های آخر دهه ۷۰ و طی دهه

استفاده از نظرات کارشناسی موسسات بین المللی از قبیل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که غالباً بدون توجه به ویژگی فرهنگی کشورها نسخه واحدی برای آنها می پیچند در فرآیند خصوصی سازی قابل تأمل است.

لازم است سیاستگذاران و تصمیم‌گیران خصوصی‌سازی بطور جدی کارشناسان ذیصلاح را به کار گرفته و در محیطی عاری از احساسات و به دور از سلیقه فردی، راهبردهای خصوصی‌سازی را مورد تجدید نظر و اصلاح جدی قرار دهند.



### خصوصی‌سازی در ایران

۶ - آنچه که ذکر شد مبنای تفکر اقتصاد کلاسیک، مشکلات مربوط به آن، انقلاب اقتصادی کینز، دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و حرکت در جهت فرآیند خصوصی‌سازی بود. طبیعتاً اگر اصول حاکم بر اقتصاد و روند فعالیت‌های اقتصادی در کشور ما نیز در این چارچوب بگنجد از همین روند تبعیت خواهد کرد. اما در کشور ما از یک طرف دولت در زمینه‌هایی که قانون مشخص نموده بود و یا فعالیت‌های تولیدی که بخش خصوصی حاضر به مشارکت در آنها نبود سرمایه‌گذاری کرد و از طرف دیگر بعد از پیروزی انقلاب تعداد محدودی از واحدهای صنعتی به لحاظ قانونی و تعدادی دیگر به لحاظ بدهی آنها و یا اتهام وابستگی صاحبان آنها به رژیم گذشته در اختیار دولت قرار گرفتند. این قبیل واحدها در واقع دولتی نشدند و موقتاً در اختیار دولت قرار گرفتند. البته جنگ و شرایط حاکم بر کشور موجب شد و واگذاری آنها به بخش خصوصی به شروع برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موكول گردد. بنابراین فرآیند واگذاری سهام شرکت‌های وابسته به دولت عملاً از اواخر سال ۱۳۶۹ آغاز شد که هم‌اکنون نیز ادامه دارد. لازم به ذکر است که نظام جمهوری اسلامی ایران مدعی است که اقتصاد سالم آن است که جریان ثروت و منابع اولیه به نحوی باشد که بر ثروت که یگانه وسیله مادی و پایه‌ای از پایه‌های زندگی است بیفزاید و قدرت مالی را در تحصیل مسائل مادی و معنوی زندگی مضاعف کند و این مشروط به دو شرط است یکی آن که منابع ثروت آزاد باشد و دچار حبس و توقف نشود و دیگر اینکه فعالیت، آزاد و محترم باشد یعنی ثمره فعالیت به فعال برگردد.

در اینجا مطلب این است که تولید سرمایه ملی یا شخصی به چه نحو و چه کیفیتی باشد؟ به هر نحو که شد درست است یا آنکه محدودیتی دارد؟ معمولاً اکثر اقتصاددانان، تمایلات و خواست‌های بشر را ولو خواست‌های مصنوعی و انحرافی، سرچشمه درآمد می‌دانند ولی نظام اسلامی معتقد است که اسلام مسئله تقاضا را به هر نحو باشد سرچشمه درآمد مشروع نمی‌داند.

۷ - فرآیند خصوصی‌سازی در کشور ما در تداوم فعالیت خود با مشکلات متعددی روبروست. فضای عمومی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی با توجه به تحولات عدید در سیاست‌های کشور مناسب نیست. هدف اصلی دولت از فرآیند خصوصی‌سازی علی‌رغم مصوبات موجود، مورد وفاق جمعی سیاستگذاران نیست. روش‌های بکار کار گرفته شده نیاز به اصلاح و بهبود دارند. سازماندهی مناسبی

فرآیند خصوصی‌سازی در کشور ما با مشکلات متعددی روبروست. فضای عمومی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی مناسب نیست، هدف اصلی دولت از خصوصی‌سازی مورد توافق عمومی نیست، سازماندهی مناسب جهت سیاستگذاری و ارزیابی وجود ندارند، ترکیب خریداران و نقش موسسات ملی در این فرآیند، تبیین نشده است.

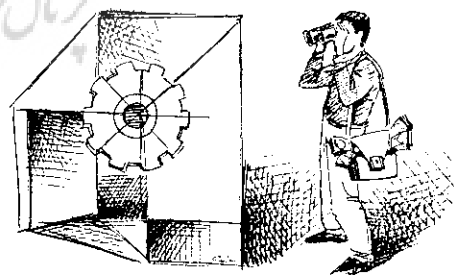
۸۰ انگیزه دولت‌ها در زمینه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی به صورت روزافزونی رو به گسترش باشد. بسیاری از کشورها در این زمینه به صورت موثری اقدام به واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی کرده‌اند و بسیاری دیگر برنامه‌های خود را در این زمینه اعلام نموده و در مراحل اولیه خصوصی کردن واحدهای دولتی هستند. امروزه حداقل در بیش از ۸۳ کشور جهان خصوصی‌سازی واحدهای دولتی به عنوان راهی در جهت منطقی کردن ساختار اقتصادی، کاهش فشار این شرکت‌ها بر بودجه دولت، بالا بردن کارآئی واحدها، گسترش مالکیت در کشور، تجهیز منابع مالی، استفاده کارآمد از تخصص‌های موجود، ایجاد انگیزه فعالیت و کاهش بار خدماتی دولت در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر فرآیند خصوصی کردن فعالیت‌های دولت و شرکت‌های دولتی امروزه به عنوان نظر اصلی کارشناسان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بوده به نحوی که این دو نهاد اعطای امتیازات و تسهیلات مالی خود را به بسیاری از کشورها منوط به اجرای فرآیند خصوصی‌سازی در آنها نموده‌اند.



جهت سیاستگذاری و ارزیابی وجود ندارد، ترکیب خریداران و ایجاد انگیزه‌های مناسب جهت جذب آنان و در واقع طیفی که آینده اقتصاد کشور را در اختیار خواهند داشت مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته‌اند. نقش موسسات مالی هم در فرآیند خصوصی‌سازی تبیین نشده است. با این اوصاف به نظر می‌رسد نمی‌توان انتظار معجزه داشت. شاخص‌های اقتصادی متغیر کشور هم در این فرآیند موجب شده که نظام قیمت‌گذاری سهام را دستخوش نوسانات گسترده سازد. لازم است سیاستگذاران و دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیران سیاست‌های مربوط به خصوصی‌سازی به‌طور جدی کارشناسان ذیصلاح را به کار گرفته و در محیطی عاری از احساسات و به دور از سلیق فردی راهبردهای خصوصی‌سازی را مورد تجدید نظر و اصلاح جدی قرار دهند.

۸ - خصوصی‌سازی فرآیند ظاهراً ساده ولی در عمل پیچیده‌ای است. پیاده‌سازی این فرآیند نیاز به دقت عمل و در نظر گرفتن ظرافت‌های خاص دارد. این موضوع هنگامی اهمیت پیدا می‌کند که فرآیند مذکور در کشوری در حال شکل‌گیری است که از یک طرف مدعی است که مبانی نظام فکری آن با آنچه که مبنای تفکر بسیاری از اقتصاددانان مطرح در جامعه بین‌المللی است تفاوت اساسی دارد و از طرف دیگر تجارب دیگران را صرفاً در چارچوب نظام فکری و فرهنگی خود مورد ارزیابی قرار می‌دهد. طبیعی است در چنین چارچوبی به منظور شناختن راهبردهای مناسب در فرآیند خصوصی‌سازی لازم است متفکران جامعه در بستر مناسبی که

« بعد از انقلاب تعدادی از واحدهای صنعتی به دلایل مختلف در اختیار دولت قرار گرفتند. این قبیل واحدها در واقع دولتی نشدند بلکه موقتاً در اختیار دولت قرار گرفتند.



« فراموش نکنیم که تا حدود یک دهه پیش، موسسات بین‌المللی، توصیه‌های متضادی به کشورهای در حال توسعه داشتند.

سیاستگذاران نظام فراهم می‌کنند گردهم آیند تا بتوانند ضمن شناخت نقاط قوت و ضعف موجود در فرآیند خصوصی‌سازی روش‌های لازم را تبیین و در اختیار مجریان قرار دهند. واضح است که در چنین فضائی تجارب سایر کشورها و مطالعات کارشناسانه موسسات بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نکات مثبت آنها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. استفاده از نظرات کارشناسی موسسات بین‌المللی از قبیل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که غالباً بدون توجه به ویژگی فرهنگی کشورها نسخه واحدی برای آنها می‌پیچند قابل تأمل است. فراموش نکرده‌ایم که تا پیش از یک دهه پیش همین موسسات توصیه‌های متضادی به کشورهای در حال توسعه داشتند.

۹ - نکته آخر گله‌ای از وزیر محترم اقتصاد و دارائی کشور که در اردیبهشت ماه سمناری به نام بررسی تحلیلی خصوصی‌سازی تحت پوشش دانشکده امور اقتصادی با همکاری و یا در واقع به همت موسسه توسعه اقتصادی بانک جهانی برگزار کردند. تشکیل گروه‌هایی جهت تحلیل یکی از مقولات مهم اقتصادی کشور کار پسندیده‌ای است. اما سؤال این است که آقای وزیر تاکنون چند سمنار در زمینه تحلیل فرآیند خصوصی‌سازی با حضور متفکران داخلی برگزار نموده بودید که حمال جهت استفاده از اطلاعات کارشناسان بانک جهانی نیاز به برگزاری چنین سمناری بود؟ چند مورد به حل مشکلات ارائه شده در مورد این فرآیند که مرتباً از طریق مجریان آن به شما منتقل شده بود پرداخته بودید که حال جهت تکمیل روش‌ها نیاز به استفاده از اطلاعات کارشناسان خارجی بود. گله از بابت دعوت از کارشناسان بانک جهانی و برگزاری سمنار نیست، گله از باور نکردن متفکرین خودی است. گله از دعوت از وزرا و معاونین وزرا جهت شنیدن نقطه نظرات کارشناسان خارجی قبل از ارائه نظرات متخصصین خودی است. بیایید خود را بیشتر باور داشته باشیم. بیایید در جهت وفاق جمعی با استفاده از عناصر داخلی تلاش کنیم و دل به حکم حکیم آن هم از نوع بانک جهانی نبندیم. بیایید به این سخن حافظ ایمان بیاوریم که:

سال‌ها دل طلب جام‌جم از مایه کرد

آنچه خود داشت زیگانه تمنای کرد

فهرست منابع:

- استوارت مایکل - ترجمه هوشنگ بهاوردی - کبیر - انتشارات دانشگاه شیراز ۱۳۴۹
- فدیری اصلی باقر - سیر اندیشه اقتصادی - انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۶
- مطهری مرتضی - مبانی اقتصاد اسلامی - انتشارات حکمت ۱۳۶۲
- منتظر ظهور محمود - اقتصاد - انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۹
- نصیرزاده غلامرضا - خصوصی‌کردن شرکت‌های دولتی - انتشارات کمال علم ۱۳۶۹
- نورائی حسن - تاریخ عقاید اقتصادی - انتشارات سنائی ۱۳۴۶